فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc426535156)

[حضرت خدیجه (س) عالی‌ترین نمونه وفا و فداکاری 2](#_Toc426535157)

[شخصیت حضرت فاطمه (س) 2](#_Toc426535158)

[تربیت، فضایل و کمالات انسانی 3](#_Toc426535159)

[ویژگی‌ها و کمالات انسانی آن حضرت 3](#_Toc426535160)

[الف: دانش و معرفت 3](#_Toc426535161)

[ب ـ فضایل اخلاقی 4](#_Toc426535162)

[ج ـ ایمان، خداشناسی بندگی 4](#_Toc426535163)

[د ـ جهاد و مبارزه پی گیر برای خدا 5](#_Toc426535164)

[شخصیت فاطمه (س) از نظر امیرالمؤمنین (ع) 5](#_Toc426535165)

[فاطمه رکن علی است 5](#_Toc426535166)

[مددکار اطاعت الهی 6](#_Toc426535167)

[برگزیده پیامبر صلی الله علیه و آله 6](#_Toc426535168)

[تکرار مصیبت فقدان پیامبر صلی الله علیه و آله 6](#_Toc426535169)

[خطبه دوم 6](#_Toc426535170)

[هفته تربیت بدنی 7](#_Toc426535171)

[اهمیت کار و تلاش در زندگی 7](#_Toc426535172)

[اهمیت و اثرات کاربرد ورزش در زندگی فردی و اجتماعی 8](#_Toc426535173)

[اهمیت سوادآموزی 9](#_Toc426535174)

[دعا 10](#_Toc426535175)

# خطبه اول

# حضرت خدیجه (س) عالی‌ترین نمونه وفا و فداکاری

حضرت محمد (ص) در زمان ازدواج با حضرت خدیجه 25 ساله و حضرت خدیجه نیز 40 ساله بود. ثروت خدیجه از همه قریش بیشتر بود و اهالی مکه با اموال او پیش از آنکه با پیغمبر ازدواج کند تجارت می‌کردند و خدیجه پس از ازدواج با پیغمبر هر چه داشت به وی بخشید، این ثروت هنگفت از پایه‌های تشکیل دهنده دعوت اسلامی است.

خدیجه اولین بانویی است که اسلام آورده است. در همان زمانی که پیامبر گرامی از اذیت و آزار و دشواری‌ها رنج می‌برد، آنجا کسی بود که از بار اندوه و غم‌های او می‌کاست و موجب می‌شد غم‌ها و اندوه‌های خویش را به فراموشی سپارد. او خدیجه همان زن با ایمان بود، همان زن گرانقدری که یاور و شریک محمد بود. خدیجه (س) از حامیان راستین رسالت بود، اموال وی در واقع کلید شکست محاصره اقتصادی پیامبر و یارانش بود. او مواد مصرفی را چندین برابر قیمت واقعی می‌خرید تا اینکه سالهای محاصره اقتصادی با سلامت و رهایی امت سپری و حیله قریش با شکست و ناکامی مواجه شد.

حضرت خدیجه دارای سیره ای بود که بواسطه آن از همه زنان متمایز شده بود، به همین جهت در دوره جاهلیت به طاهره معروف بود و همین لقب برای شرف و افتخار او کافی است. سال دهم بعثت پیامبر انسانی را از دست داد که عالی‌ترین نمونه وفا و فداکاری و جامع‌ترین بیانگر راستی بود. خدیجه نمونه بارز زن مسلمانی است که برای عقیده و رسالتش پیکار کرد.

پیغمبر (ص) او را در حجون دفن کرد و سال وفات او عام الاحزان (سال اندوه‌ها) نامیده شد، خدیجه به هنگام وفات 65 سال داشت.

# شخصیت حضرت فاطمه (س)

جایگاه و مقامات دختر مکرّم پیامبر اعظم (ص)، حضرت فاطمه زهرا (س) نزد پروردگار از نزول آیه‌ی تطهیر، آیه‌ی مباهله، آیه‌ی مودّت و سوره‌ی الکوثر به دست می‌آید. شخصیتی که بر طبق آیه‌ی تطهیر از هرگونه ناپاکی، منزّه هست و بر طبق سوره کوثر، منبع و مصداق خیر کثیر (ارزش فراوان) و بر طبق داستان مباهله، حضور درکنار پدر بزرگوارش پیامبر مکرّم حضرت محّمد مصطفی (ص)، شوهرش، حضرت علیّ مرتضی (علیه السلام) فرزندان ارجمندش، حَسَنین (علیهما السلام) اتمام حجت الهی به رهبر مسیحیان و مخالفان شد.

# تربیت، فضایل و کمالات انسانی

رسول خدا (ص) فرمود: «**فاطمة (س) سیّدة نساء العالَمین**[[1]](#footnote-1)». یعنی؛ (دخترم) فاطمه، بهتر بانوان جهانیان است. هم چنین فرمود: «**فاطمة أعزّ البریّة علیّ**». یعنی؛ فاطمه (س) عزیزترین آفریدگان خداوند نزد من است. همین طور فرمود: «**انّها بَضعة منّی او شَجعة منّی**». یعنی؛ فاطمة (س) پاره تنِ من و بخشی از وجودم می‌باشد.[[2]](#footnote-2)

حضرت صدّیقه ی کبری در نگاه ائمه معصومین (ع)، صحابه، محبّان و دانشمندان اسلامی و غیر اسلامی نیز از شخصیت و جایگاه بلند مرتبه ای برخوردار است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

امام جعفر بن محمّدٍ الصادق (ع) فرمود: «انّما سُمّیت فاطمة لأن الخلق فُطموا عن معرفت‌ها». یعنی؛ همانا فاطمه نامیده شده است، زیرا مردم مخلوقات از درک و فهم مقام او ناتوان‌اند.[[3]](#footnote-3)

امّ سلمة می‌گوید: «هرگاه فاطمه (س) خدمت رسول خدا (ص) می‌رسید، حضرت پیامبر (ص) به پا بر می‌خواست و دخترش را می‌بوسید و به او خوش آمد می‌گفت و دستش را می‌گرفت و در جای خود می نشاند... راز خود را با او در میان می‌گذاشت و در انجام کارها با او مشورت می‌کرد». ابن صبّاغ مالکی می‌نویسد: «فاطمه دختر کسی است که سوره اِسراء [بنی اسرائیل]، در شأن او نازل شده است، وی همسنگ خورشید و ماه و دخت برترین انسان، میلادش پاکیزه و به اتفاق دانشمندان، بانوی بانوان است»

# ویژگی‌ها و کمالات انسانی آن حضرت

# الف: دانش و معرفت

آن علیا مخدّره یکی از راویان حدیث و حاملان آن بوده است، به طوری که «مُصحَف فاطمة» یکی آثار منسوب به آن حضرت هست که متأسفانه باقی نمانده است! ولی گفته می‌شود در اختیار حضرات ائمه‌ی اهل بیت (ع) بوده که به یکی پس از دیگری منتقل شده و هم اکنون در اختیار منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود (عجّل الله فرجه) می‌باشد. در خطبه‌هایی که حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) بعد از رحلت جان سوز پدر بزرگوارش نبیّ مکرّم (ص) در جمع صحابه در مسجد النبیّ (ص) و در خانه‌ی خود ایراد فرمود، بهترین دلیل بر علم و دانش و معرفت ایشان می‌باشد.

# ب ـ فضایل اخلاقی

صفات و کمالات اخلاقی مانند: نجابت، مروّت، سخاوت، شجاعت، بخشش، جمال و اندام موزون، نرم خویی، سعه صدر، صبر و بردباری، مهربانی، متانت، عفّت و پاک دامنی، خویشتن داری، حق گویی، حفظ اسرار، وفای به عهد و پیمان، صداقت و راست گویی، ایثار، تقوا وعبودیت، صراحت لهجه و فصاحت کلام، قناعت پیشگی، ساده زیستی، مناعت طبع، دوری از تجمّل، غرور، حِرص، غیبت، تهمت، دروغ و... بخشی از دنیای شخصیت ممتاز آن یگانه‌ی دوران و جگر گوشه پیامبر (ص) هست که این گونه صفات و کمالات اخلاقی و معنوی، فقط در بانوان آسمانی و ملکوتی یافت می‌شود.

# ج ـ ایمان، خداشناسی بندگی

رسول خدا (ص) فرمود: «**انّ ابنَتی فاطمة (س) ملأ اللّه قلب‌ها وجوارحها ایماناً الی مشاشها ففرغت لطاعة اللّه[[4]](#footnote-4)**». یعنی؛ خداوند دل و جوارح دخترم فاطمه (س) را عمیقاً سرشار از ایمان ساخته است و او همواره در اطاعت و فرمان برداری خداوند به سر می‌برد.

حضرت زهرا (س) فرزندانی را تربیت نمود که هر کدام با ایفای نقش بی نظیر خود، درس عزّت و سربلندی، عشق و وفاداری، تقوا و عبودیت، صبر و شکیبائی، شجاعت و کرامت، جهاد و مبارزه، مهر و عاطفه، ایثار وگذشت، جان فشانی در راه خدا و اسلام، صلح و مدارا و... را از خود به یادگار گذاشتند و برای مسلمانان اسوه و الگو شدند.

# د ـ جهاد و مبارزه پی گیر برای خدا

آن حضرت پس از ظهور اسلام در کنار پدر بزرگوار، مادر مکرّمه اش و بنی هاشم در حالی که کودکی دو ساله بود، به مدت سه سال در محاصره شِعب ابی طالب شرکت داشت و انواع سختی‌ها و مشکلات و دشواری‌های زندگی را با اخلاص تحمل نمود. حدود یک سال بعد، مادر فداکار و مهربان خود را هم از دست داد.

آن بزرگوار پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه، به همراه چند تن از بانوان مسلمان، سختی‌های زیادی را نیز متحمل شد و در محله‌ی «قبا» به پدر ملحق گردید. در جنگ‌های بَدر، اُحد، أحزاب، خیبر، تبوک، فتح مکه و... همانند سایر بانوان مسلمان حضور داشت و نقش و وظیفه‌ی انسانی و اسلامی به جنگ جویان مسلمان و درمان آن‌ها و سایر خدمات را ایفاء نمود.

# شخصیت فاطمه (س) از نظر امیرالمؤمنین (ع)

منزلت و جایگاه رفیع حضرت زهرا علیهاالسلام در نزد حضرت علی علیه السلام نشانگر اوج شخصیت زن در نگاه اوست، یک زن می‌تواند چنان بالا رود که مایه مباهات و افتخار امام (علیه السلام) گردد. اگرچه بیان عظمت مقام حضرت فاطمه علیهاالسلام در نزد حضرت علی علیه السلام خود تحقیق مستقلی می‌طلبد لکن در اینجا فهرست‌وار، به ذکر پاره‌ای از موارد، پرداخته شده تا بیانگر اوج مقام و مرتبه زن در نگرش حضرت باشد.

# فاطمه رکن علی است

از مقامات ممتازی که مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیهاالسلام می‌باشد رکن بودن برای علی است. در حدیثی می‌خوانیم پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «**سلام علیک یا ابا الریحانتین، فعن قلیل ذهب رکناک**.»[[5]](#footnote-5)

چه تعبیر لطیف و زیبایی همان تعبیر حضرت علی علیه السلام در مورد زن که فرمودند زن ریحانه است. پیامبر نیز فرمودند: «سلام بر تو ای پدر دو گل] زینب و ام کلثوم] به زودی دو رکن تو از دست می‌روند.» علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «این یکی از دو رکن بود» و بعد از شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام فرمودند: «این رکن دیگر است.»

# مددکار اطاعت الهی

انبیاء و پیشوایان معصوم تنها راه سعادت و خوشبختی انسان‌ها را پیروی از دستورات الهی می‌دانستند و از این رو بهترین همکار و دوست برای آنان کسی بود که در این راستا به آن‌ها کمک کند. علی علیه السلام در پاسخ پیامبر که سؤال کردند: «همسرت را چگونه یافتی؟» گفتند: بهترین یاور در راه اطاعت از خداوند.

# برگزیده پیامبر صلی الله علیه و آله

حضرت علی علیه السلام در مصیبت حضرت زهرا علیهاالسلام خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قل یا رسول الله عن صفیتک صبری[[6]](#footnote-6)»؛ یعنی این صفیه توست، بانویی که صفوه تو، مصطفی و برگزیده توست رحلت کرده و صبر فقدانش برای من دشوار است.

# تکرار مصیبت فقدان پیامبر صلی الله علیه و آله

هنگام ارتحال بزرگ بانوی اسلام حضرت فاطمه و بیان وصایا و حلالیت ایشان حضرت در پاسخ می‌گوید: «پناه به خدا، تو داناتر و پرهیزکارتر و گرامی‌تر و نیکوکارتر از آنی که به جهت مخالفت کردنت با خود، تو را مورد نکوهش قرار دهم. دوری از تو و احساس فقدانت بر من گران خواهد بود، ولی گریزی از آن نیست. به خدا قسم با رفتنت مصیبت رسول خدا را بر من تازه نمودی، یقیناً مصیبت تو بزرگ است مصیبتی که هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند به انسان دلداری دهد و هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین آن شود.»

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[7]](#footnote-7) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی الله ولزوم امره و اجتناب معصیة.**

# هفته تربیت بدنی

روز تربیت بدنی و ورزش بهانه ایست تا به خود یادآور شویم برای بهتر زندگی کردن و تندرستی و بهره مندی از فرصت‌هایی که داریم از رخوت رها گردیم و اگر تا کنون نسبت به خویش بی توجه بوده‌ایم حتماً با اراده ای محکم به سوی سلامتی و نشاط گام برداریم و از غافله شکوفایی و شادی باز نمانیم. نامگذاری یک روز نمادیست که وقایع مهمی در تقویم زندگیمان ثبت می‌شود و ما باید آن‌ها را بازنگری کنیم و روزهایی این چنین را همواره به خود یادآور شویم.

# اهمیت کار و تلاش در زندگی

کار»، یکی از عواملی می‌باشد که در زندگی خیلی مهم است ولی شاید کمتر به آن توجه شود،، کار از هر عامل دیگری اگر سازنده تر نباشد، نقشش در سازندگی کمتر نیست. انسان این جور خیال می‌کند که کار اثر و معلول انسان است، پس انسان مقدم بر کار است؛ یعنی چگونگی انسان مقدم بر چگونگی کار و چگونگی کار تابع چگونگی انسان است. یکی از عوامل مهم ایجاد و حفظ سلامت جسمانی انسان کار است و در نتیجه به صورت غیرمستقیم، ضامن پیش گیری از بسیاری از بیماری‌های روحی و اخلاقی خواهد بود. بنابراین، برای آنان که خواهان بدنی سالم هستند، کار و تحرک و فعالیت، در حکم نسخه ای شفابخش خواهد بود.

وقتی که به نتیجه کار و زحمت توجه می‌کنیم می‌بینیم که نتیجه کار تنها خلاصی از فقر و گرسنگی نیست، بلکه چندین چیز دیگر هم به دنبال دارد، از آن جمله اینکه کار بر عزت و شخصیت انسان می‌افزاید و او را در نظرش محترم می‌نماید، یعنی حس احترام به ذات و اعتماد به شخصیت در او ایجاد می‌کند. بدیهی است که هر چیزی که باعث و سبب محترم شدن شخصیت انسان در نظر خود و دیگران باشد، ذاتاً محترم و شایسته تکریم و تعظیم است. اما در مقابل کار، «بی کاری» نیز، اثرات منفی فراوانی بر زندگی انسان می‌گذارد. کوچک‌ترین اثرش این است که احترام وشخصیت انسان را پیش دیگران و پیش خودش از بین می‌برد و همین در هم شکستن شخصیت انسان سبب می‌شود که تن به هر پستی و بیچارگی بدهد. بی نظمی در امور زندگی، از بی انتظامی و پریدن از یک شاخه هوس به شاخه دیگر صورت می‌گردد. یکی از اصول شخصیت انسان همان استواری و استحکام و انتظام فکر اوست.‌ علاوه بر این‌ها کار و فعالیت و به مصرف رسیدن درست انرژی‌های ذخیره بدن، به روح صفا و به دل نرمی و خشوع می‌دهد، بر عکس بیکاری، که موجب کدورت و تاریک شدن روح و موجب قساوت و سختی دل است. از رابطه کار با تهذیب اخلاق و رابطه بیکاری با فساد اخلاق و هرزگی روح و فکر واحساسات نباید غافل بود. روح آدمی نیز مانند معده‌اش غذا می‌خواهد، اگر غذای کافی نرسید به هر چه رسید سد جوع می‌کند ولو با چیزی که مورد تنفراو باشد.

یکی از عواملی که باعث تنبلی افراد شده زندگی ماشینی امروزی می‌باشد بنابراین ورزش یکی از ارکان اصلی زندگی است که در تمام دنیا به این امر مهم توصیه شده و سعی شده در برنامه روزانه افراد حداقل 15 تا 20 دقیقه ورزش و حرکات ورزشی گنجانده شود ورزش روحیه انسان را شاداب و باعث شادی ونشاط و سلامتی می‌شود. ورزش تنش‌های روانی را از بین می‌برد و اخم‌ها را به لبخند تبدیل می‌نماید. کمتر کسی اهمیت ورزش در زندگی را انکار می‌کند. در طول تاریخ انسان هموراه به سلامتی جسم و روان می‌اندیشید؛ پس از همان نخستین دوره‌های تاریخ، انسان سعی بر آن داشته تا تن و روان خود را ورزیده کند و راهی برای جاویدان ساختن خویش بیابد.

# [اهمیت و اثرات کاربرد ورزش در زندگی فردی و اجتماعی](http://www.dana.ir/News/155847.html)

ورزش، یکی از مسائل و موضوعات با اهمیت هر جامعه به شمار می‌آید و تعداد بی شماری از افراد، به انواع ورزش علاقه مند هستند و بخشی از وقت خود را بدان اختصاص می‌دهند. دین مبین اسلام هم به ورزش و ورزشکار به دیده احترام می‌نگرد؛ زیرا ورزش می‌تواند آدمی را در رسیدن به کمال انسانی یاری رساند و اسلام هم هر عملی را که به آدمی در رسیدن به کمال کمک می‌کند، ارج می‌نهد و آن را مطلوب می‌داند.

اهمیت ورزش توجه به ورزش و تلاش بر توسعه آن در میان همه اقشار جامعه، به دلیل آثار سودمندی است که از این کار به دست می‌آید؛ چون ورزش مایه پرهیز از بیکاری، مبارزه با کسالت و تنبلی، افزایش توانایی‌های جسمی و روحی، شجاعت، سلامت جسمانی و فکری و نیز وسیله ای برای جمع گرایی و اجتماعی شدن است. آثار فردی ورزش ورزش، بر جنبه‌های گوناگون فرد اثرمی گذارد. حرکات ورزشی، از یکسو قدرت و توانایی جسمانی ورزشکار را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، باعث سلامت بدن انسان می‌شود؛ نعمتی که به تعبیر امام علی علیه السلام از زیادی مال بهتر است. ورزش همچنین به تعادل جسم و جان آدمی می‌انجامد. با ورزش، انسان از روحی با نشاط برخوردار می‌شود و روح با نشاط، بدن را سرشار از طراوت و شادابی می‌سازد و البته بدن سالم هم، روح و جان را در دست یابی به مدارج کمال یاری می‌رساند.

آثار روانی ورزش، همان طور که بر جسم آدمی تأثیر می‌گذارد، بر روح و روان او هم تأثیر دارد. یکی از نتایج مفید ورزش بر روی شخصیت افراد، افزایش اعتماد به نفس است. ورزشکاران موفق، خود ساخته بوده و در برابر مشکلات، مقاوم تر هستند. از دیگر نتایج روانی ورزش، افزایش شور و نشاط ورزشکار و امید به آینده اوست. آدمی، با ورزش کمتر به دام وسوسه و گناه می‌افتد و به عادت‌های زشت، مثل اعتیاد دچار نمی‌شود. از دیگر آثار روانی ورزش، ویژگی ضدّ خمودگی و افسردگی آن است. ورزش، ورزشکار را سرزنده ساخته و او را در برابر دلمردگی بیمه می‌کند. آثار اجتماعی ورزش انسان، موجودی است که فقط با زندگی جمعی به سلامت به مقصد می‌رسد و فرد گرایی و انزواطلبی، با ذات او در تضاد است. برای رسیدن به این روح جمعی و همبستگی عمومی، راه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این راه‌ها، ورزش کردن است.

ورزش، موجب گسترش روابط گروهی می‌شود. در ورزش‌های گروهی، بدون هماهنگی و دوری از خودخواهی، نمی‌توان به موفقیت رسید و این خود باعث تقویت روح جمع‌خواهی افراد می‌شود. همچنین، ورزش موجب گسترش حس یک‌رنگی و همگرایی در افراد می‌گردد. برای تیم شدن و تشکیل گروه منسجم ورزشی، باید از خود گذشت و «من» ها را به «ما» تبدیل کرد.

# اهمیت سوادآموزی

وجود بی سوادی در کشورهای جهان سوم به سبب ناهماهنگی در برنامه ریزی طرح‌های آموزشی است. اگر توسعه آموزش در همه مکان‌ها و در همه زمان‌ها هماهنگ می‌بود، در سایر عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز توسعه با روند بهتری رشد می‌نمود. بی سوادی باعث ناآگاهی و رکود ذهنی می‌شود و می‌تواند عاملی برای برهم زدن نظم اجتماعی گردد. افزایش جمعیت و فاصله نگرش بین گروه‌های سنی و نوع دیدگاه‌ها باعث ایجاد مشکلات مختلف فرهنگی می‌شود که این ناهماهنگی می‌تواند بی هویتی فرهنگی را در پی داشته باشد. دانش بزرگ‌ترین ثروتی است که بشر می‌تواند تولید کند. پس نباید از آن غافل شد و باید امکان استفاده از آن را به همگان داد.

از بعد فرهنگی هم باید ارزش‌های نادرست را با جانشین کردن ارزش‌های صحیح و عملیاتی کردن آن‌ها ریشه کن کرد. افزایش سطح سواد و علم آموزی، باعث ایجاد دیدگاه‌های نو، بالا رفتن سطح توقعات و انتظارات و شکل گیری ارزش‌های جدید در زندگی می‌شود. آموزش سواد، باعث تغییر نوع زندگی می‌شود و با آگاهی از جوامع پیرامون، سنت‌ها و آداب و رسوم هم در زندگی شکل دیگری به خود می‌گیرد. همکاری سازمان آموزش و پرورش و سایر سازمان‌ها می‌تواند در ارائه امکانات مالی و آموزش کاربردی، در توسعه همه جانبه و زیربنایی جامعه مفید واقع شود. منظور از آموزش سواد به بزرگ سالان، سواد فن آوری، فرهنگی و اطلاعاتی است.

مسئلهٔ مبارزه با بی‌سوادی و گسترش آموزش و پرورش عمومی از مسائل عمده‌ای است که مورد توجه کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است و به‌دلیل ارتباط و همبستگی رشد اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هرجامعه با افزایش تعداد باسوادان، سرمایه‌گذاری در این زمینه و تلاش برای مبارزه با بیسوادی از مهم‌ترین سیاست‌های کشورها اعلام شده است.

# دعا

خدایا ما را مشمول عنایت و باران رحمت خودت قرار بده. خدایا ما را از بندگان صالح خود قرار بده. ما را از گناه و معصیت محافظت بفرما. خدایا نسل جوان ما را از مسیر گناه محافظت بفرما. خدایا توفیق ادامه راه شهدا و امام عنایت بفرما و....

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ[[8]](#footnote-8)**

1. . حیاة سیّدة النساء؛ فاطمة الزهراء (س)؛ دراسة و تحلیل، باقر شریف القرشی (ره)، تحقیق: مهدی باقر القرشی، ۱۴۳۰ ق. [↑](#footnote-ref-1)
2. . مسند فاطمة الزهراء (س)، جلال الدین السیوطی، المطبعة العزیزیة، ۱۴۰۶ ق. [↑](#footnote-ref-2)
3. . وفاة الصدیقة الزهراء (س)، السیّد عبدالرزاق المقرّم (ره)، المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۰ ق. [↑](#footnote-ref-3)
4. . زهرا (س)؛ برترین بانوی جهان، ناصر مکارم شیرازی، نشر سرور، ۱۳۸۶ ش. [↑](#footnote-ref-4)
5. . علامه الحافظ محب الدین الطیری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی/ چاپ بیروت دار المعرفه/ ص 56 [↑](#footnote-ref-5)
6. . نهج البلاغه/ فیض السلام/ خطبه 193 [↑](#footnote-ref-6)
7. آل عمران 102. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره العصر. [↑](#footnote-ref-8)